

قتل به خاطر هیچ

رو در رو

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۲

امیر علی حقیقت طلب
تپش

عاشق برادرش بود و همیشه در کنارش. روزی که در زندان همدان برادرش را برای اجرای حکم قصاص پای چوبه دار بردند، زندگی هم برای او تمام شد. چند بار خواست به زندگی اش پایان دهد اما به دادش رسیدند و زنده ماند. وقتی از زندان آزاد شد، با هم‌بندی خودش سرقت‌های

خشن را آغاز کردند؛ سرقت‌هایی که در آن به راحتی دست روی ماشه می‌بردند و مرتکب قتل می‌شدند. این هفته داستان زندگی سعید را مرور کرده‌ایم.



۱. **خب سعید چقدر درس خواندی؟**

تا پنجم ابتدایی.

۲. **قبل از دستگیری چه کاره بودی؟**

کشاورز.

۳. **مجردی؟**

بله. عاشق یکی از دخترهای فامیل بودم. او هم عاشق من بود اما شرایط زندگی ام اجازه نداد به هم برسیم.

۴. **معنای؟**

بله. شیشه می‌کشم و قرص‌های روانگردان هم مصرف می‌کنم. وقتی این قرص‌ها را می‌خورم، مثل جغد می‌شوم و تا صبح پلک نمی‌زنم. حالا حساب کن وقتی مغز چند روز استراحت نکند، تعطیل می‌شود و هیچ قدرتی برای تشخیص خوب از بد را ندارد. اصلاً می‌روی در فضایی که دستور از مغز نمی‌گیری.

۵. **چه شد یک جوان کشاورز و آرام، تبدیل شد به قاتلی خشن؟**

من برادری داشتم که عاشق او بودم. او هم عاشق من بود. پشت هم بودیم. او عاشق دختری بود و برای رسیدن به آن دختر رقیب عشقی خود را کشت و من در کنارش بودم. سال ۱۳۹۳ دستگیر شدیم و پس از محاکمه، برادرم به قصاص و من به زندان محکوم شدم. دو سال بعد او را در زندان قصاص کردند. روزی که برادرم را قصاص کردند، زندگی ام تمام شد.

۶. **چند بار اقدام به خودکشی کردی؟**

دو بار در زندان و یک بار در بیرون از زندان، اما هر بار به دادم رسیدند و زنده ماند.

۷. **خب بریم سراغ قتل‌ها، چطور با همدست آشنا شدی؟**

او هم‌بندی من در زندان بود. خوب حرف می‌زد و آدم تحت تأثیرش قرار می‌گرفت. وقتی آزاد شدم، سراغش رفتم و فهمیدم وضع مالی اش خوب شده است. می‌گفت باید طوری زندگی کرد که جیب همیشه پر پول باشد. آن قدر روی مخم کار کرد که قبول کردم با او همراه شوم.

۸. **نقشه‌تان چه بود؟**

قرار بود در پوشش مسافر سوار خودروها شده و با سلاح راننده را تهدید و خودرویش را سرقت کنیم. بعد هم به شمال تهران برویم و از خانه‌ها سرقت کنیم. یادم است اولین سرقت را در سه راه آدران انجام دادیم. سوار خودرویی شدیم و همدستم با شلیک گلوله راننده را کشت و ماشینش را سرقت کردیم. من شیشه و قرص مصرف کرده بودم و حال خوبی نداشتم اما یادم هست خیلی راحت راننده را کشت.

۹. **بعد چه شد؟**

به محله‌ای در شمال تهران رفتیم. خانه‌های آنجا لاکچری بود. منتظر ماندیم تا یکی از ساکنان وارد خانه شود و ما پشت سرش وارد شویم و با تهدید اسلحه سرقت کنیم. چند ساعتی منتظر ماندیم اما سوزهای پیدا نکردیم و دست خالی برگشتیم.

۱۰. **خودروی سرقتی را فروختید؟**

نه در محلی خلوت رها کردیم.

۱۱. **خب دومین قربانی را چه کسی کشت؟**

من. روز بعد در ملارد سوار خودروی دیگری شدیم. من روی صندلی عقب و پشت سر راننده نشسته بودم. در محل خلوتی، با اشاره همدستم به راننده شلیک کردم و او را کشتیم. بعد دوباره به آن محل شمال تهران رفتیم که باز هم دست خالی برگشتیم. ماشین را هم مثل قبلی رها کردیم.

۱۲. **و همچنان همین روبه را ادامه دادید؟**

نه. بعد از قتل دوم، چند روزی جرایم خود را متوقف کردیم و به دیدن خانواده‌مان رفتیم. پدر و مادرم بعد از اعدام برادرم بیمار شده بودند. چند روز بعد دوباره به تهران برگشتیم و سراغ سومین راننده رفتیم. این راننده را دو نفری و با ضربه‌های چاقو کشتیم و جسدش را در جوی آب انداختیم. این بار هم نقشه‌مان با شکست روبه‌رو شد. سه نفر را برای هیچ کشتیم. بعد از قتل سوم دوباره چند روزی قتل‌ها را متوقف کردیم و دوباره به تهران آمدم و راننده تیپایی را کشته و نقشه را عوض کردیم.

۱۳. **چه تغییری؟**

من پیشنهاد دادم سراغ مرد پولداری در قروه کردستان برویم و او را به گروگان بگیریم.

۱۴. **او را می‌شناختی؟**

چند وقتی در مزرعه‌اش کار می‌کردم. خلاصه با تیپای سرقتی به آنجا رفتیم و مرد پولدار و دو کارگرش را گروگان گرفتیم. خواستیم دو میلیارد برای آزادی‌اش بدهد اما باز هم با شکست روبه‌رو شدیم و من به آنها شلیک کردم. دو کارگر مزرعه مردند اما صاحب آنجا زنده ماند که و ما را لو داد و دستگیر شدیم.

۱۵. **اگر دستگیر نمی‌شدید، همچنان ادامه می‌دادید؟**

به این فکر نکرده بودم.

۱۶. **الان پشیمانی؟**

بعد از این همه قتل پشیمانی فایده‌ای ندارد. مغزم به خاطر مصرف شیشه تعطیل شده بود.

قاتلان چطور دستگیر شدند

در یافتن مرد جوان و همدست میانسالش در مدت دو ماه گذشته در خانه یکی از دوستانشان در سه راه آدران در غرب استان تهران ساکن بوده‌اند و در این مدت رانندگانی در این محدوده با اسلحه کشته شدند.

بررسی نوع اسلحه به کار رفته در جنایت مزرعه و قتل رانندگان هیچ جای شکی برای پلیس باقی نگذاشت که این دو مرد در قتل سریالی رانندگان هم دست داشته‌اند که آنها تحت بازجویی قرار گرفته و به سه قتل در غرب استان تهران اعتراف کردند.

تحقیقات جنایی در این پرونده همزمان با جنایت در مزرعه کشاورزی در قروه آغاز شد و تیم جنایی پس از صحبت با صاحب مزرعه که به طرز معجزه‌آسایی زنده مانده بود، هویت یکی از قاتلان را شناسایی و خیلی زود او و همدستش را دستگیر کردند.

با توجه به این که قاتلان به راحتی دست به اسلحه برده و شلیک می‌کردند، احتمال وقوع قتل‌های دیگر توسط آنها مطرح شد.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا این که کارآگاهان